

روایاتی‌هایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

بخت‌برگشکان سه‌بعدی

■ علاوه بر آدم‌های بخت‌برگشته‌ای که مثل همیشه در فیلم‌های «مقصدهای نهایه» مذبح‌خانه تلاش می‌کنند از مرگ بگریزند یا در فیلم پدرو آلمودوار قربانی یک جراح روان پریش می‌شوند یا زانی‌هایی که در بیابان سرگردان می‌شوند، شخصیت‌های واقعی چند فیلم مستند هم در فیلم‌هایی که این هفته رنگ پرده نقره‌ای را به خود دیده‌اند، حضور دارند، از جمله هنرمندی آلمانی در «روی شهرهایتان غلف خواهد رویید» و گوینت پاترو و خوانندگان و تماشاگران کنسرت زنده Glee در فیلمی به همین نام که به صورت سه بعدی ساخته شده است.

پوستی که در آن زندگی می‌کنم



The Skin I Live In (La piel que habito)
جراح پلاستیک نابغه‌ای که خطرات تلخ گذشته بر زندگی‌اش سایه افکنده، یک نوع پوست مصنوعی اختراع می‌کند که در برابر هر نوع آسیبی مقاوم است. در آزمایشگاه او زنی مرده حضور دارد که با اسرار رخدادهای تراژیک زندگی جراح، مرتبط است. این درام دلپه‌آور را پدرو آلمودوار کارگردان مشهور اسپانیایی با نگاهی به رمان تارتوتلا نوشته تیری زاکه و با بودجه ۱۳ میلیون یورو ساخته است. آنتونیو باندراس، بازیگر آثار اولیه آلمودوار بعد از ۱۲ سال بار دیگر با او همکاری کرده است و ماریسا پدیس، النانا آتایا و بلانکا سوارز از دیگر بازیگران فیلم هستند. این فیلم برای اولین بار در بخش مسابقه جشنواره کن نمایش داده شد و اکران عمومی آن از فردا (چهارشنبه) آغاز می‌شود. زمان نمایش فیلم ۱۱۷ دقیقه است.

مقصدهای ۵



Final Destination 5
طبق معمول مجموعه فیلم‌های «مقصدهای نهایه» در پنجمین فیلم دلپه‌آور فراترابعی این مجموعه نیز عده‌ای که به اشتباه از مرگ حتمی - این بار در حادثه فروریختن پل معلق - رستند، یک‌به‌یک سرنیست می‌شوند. تفاوت مده این قسمت با فیلم‌های قبلی در سه بعدی بودن آن است که باعث می‌شود مرگ‌های عجیب‌وغریب قربانیان داستان، برای تماشاگر تکان دهنده‌تر باشد. استیو کویل کارگردانی کرده و اریک هایسر، فیلمنامه‌اش را نوشته‌اند. نیکلاس داگوستو، امایل، مایبل فیشر، آرن اسکال پتا، تونی تاد و دیوید کوچتر از جمله بازیگران این فیلم ۹۵ دقیقه‌ای هستند که با بودجه ۴۷ میلیون دلار در لوکیشن‌های ونکوور کلاندا ساخته شده و از جمعه گذشته روی پرده رفته است.

لیتل راک



Litterlock
این فیلم مستقل آمریکایی که ناشم را از شهری در ایالت کالیفرنیا گرفته، درامی است درباره یک توریست ژاپنی در آن شهر کوچک بیابانی که در ابتدا آنجا را مکانی دلپذیر می‌یابد و مدت اقامتش را تمدید می‌کند اما به زودی در می‌یابد که آنجا به آن خوبی که تصور می‌کرده، نیست. مایک اوت این فیلم را بر اساس داستانی که همراه با بازیگر زانی‌اش نوشته، به صورت ویدیویی و با بهامسازی و استفاده از بازیگران غیرحرفه‌ای کارگردانی کرده است. آنسو کوساکاموتو، کوری زاکارا، ریئتارو ساوموتو و برت تیتز از بازیگران این فیلم هستند. زمان نمایش «لیتل راک» ۸۸ دقیقه است.

سنا



Senna
مستندی درباره درنده‌ریزی مسابقات فرمول یک، ایرتون سنا، که پیش از مرگ در ۳۴ سالگی سه بار مقام قهرمانی جهان را کسب کرد. این مستند از نیمه دهه ۱۹۸۰ آغاز می‌شود که سنا وارد مسابقات فرمول یک شد و با آن پروست فرانسوی قهرمان جهان رقابت کرد و بعد به زندگی شخصی او که فردی متواضع، کم‌لبش خجالتی و به شدت مین‌پهن است بود می‌پردازد. سنا که در میان مردم برزیل بسیار محبوب است در تصادفی کشته شد که ۳۰۰ میلیون تماشاگر تلویزیون آن را به صورت زنده تماشا می‌کردند. جکی استوارت، فرانک ویلیامز، ژان ماری بالستر و رینالدو لم از جمله رانندگان فرمول یک هستند که در این فیلم ۱۰۶ دقیقه‌ای به کارگردانی اسیف کاپادیا، فیلمساز بریتانیایی حضور دارند.



«پوستی که در آن زندگی می‌کنم» از زبان پدرو آلمودوار

دانش، مفهوم انسانیت را تغییر می‌دهد

گونزالو سوارز لویز/ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

پدرو آلمودوار بعد از نمایش «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» در بخش مسابقه شصت‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم کن در جلسه پرسش و پاسخی با روزنامه‌نگاران شرکت کرد. در جلسه گفت‌وگوی مطبوعاتی این کارگردان متولد لامانچا همچنین برادر او، اوستین -همکار فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده- و بازیگران فیلم، آنتونیو باندراس، النانا آتایا و ماریسا پادرس حضور داشتند. آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از این گفت‌وگوی مطبوعاتی است.

■ چه چیزی شما را به رمان «تارتوتلا» نوشته تیری پری زاکه جلب کرد؟
رمان را حدود ۱۰ سال پیش خوانده بودم. آنچه مرا به آن جلب کرد و تنها چیزی که از رمان در فیلم ماند - به مرور زمان من خیلی از اصل داستان فاصله گرفتم- اندازه انتقام‌جویی دکتر لدگارد بود.

■ شخصیتی که آنتونیو باندراس ایفا می‌کند را چگونه توصیف می‌کنید؟
شخصیت آنتونیو شخصیت یک خالق است، کسی که زندگی می‌آفریند، پوست -عضوی که به ما هویت می‌دهد- و ما را از بقیه متمایز می‌کند. او از خانواده‌ای خشن می‌آید، وحشی و از لحاظ اخلاقی غیروابسته است، آموخته‌هایش شبیه به سایر اسپانیایی‌ها نیست و فرهنگ او بر خلاف فرهنگ من بر مبنای اصولی مانند مجازات و گناه نیست. او یک روان‌پریش بی‌بهره از اصول اخلاقی و فاقد همدردی با دیگران است. شخصیتی افراطی است که به خوبی با این فیلم جور می‌آید چون او برحیمی بی‌پایایی را به نمایش می‌گذارد که طبیعتا باید با شخصیتی مانند النانا (آتایا) که می‌تواند این همه بی‌رحمی را تحمل کند، مربوط باشد.

■ آیا این ورود به وادی ترنر، نشانگر گرایش جدید در مسیر حرفه‌شماست؟
من در طول زندگی حرفه‌ای و شخصی‌ام در ژانرهای گوناگونی کار کرده‌ام که در زمان خودشان، برطرف‌دار بوده‌اند. در حال حاضر ترنلر ژانری است که می‌تواند با ژانرهای دیگر آمیخته شود. من نمی‌توانم قواعد ژانری را دنبال کنم. دیگر کسی نمی‌تواند به سالگی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ فیلم ژانری مثل ترنلر، ملودرام یا موزیکال بسازد. نمی‌دانم که فیلم بعدی‌ام چه خواهد بود - با آنکه در حال نوشتن‌اش هستم- ولی احتمالش زیاد است که دست آخر کمابیش ترنلر از آب در بیاید.

■ «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» از چه آثار دیگری تأثیر پذیرفته است؟
من بیش از همه به ترنلرهای دهه ۱۹۴۰ فیلمسازی نظیر فریتز لانگ علاقه‌مند بودم. در واقع -این چیزی است که قبلا به هیچ یک از آثار قبلی‌ام با من سر این میز هستند، نکته‌ام- من چندین ماه در مورد ساختن یک فیلم صامت سیاه و سفید به سبک و سیاق آثار فریتز لانگ فکر می‌کردم اما فیلمنامه با این کار کاملا سازگار نبود. سرانجام او بعد از چندین پیش‌نویس) تنها مرجع مشخصی که می‌توانم



آنتونیو باندراس درباره «پوستی که در آن زندگی می‌کنم»:

این فیلم مرا به ریشه‌هایم بازگرداند

آن تامپسن

هالیوود همیشه با بازیگرانی که لپه‌های متفاوت داشته‌اند، برخوردی مهربانه نداشته است. اگر مثل شوارتزنگر یا ون دم ستاره آثار اکشن نباشید، به دشواری می‌توانید از مرز تفاهم فرهنگی بگذرید. آنتونیو باندراس، ستاره اسپانیایی، بعد از رشته فیلم‌هایی که با پدرو آلمودوار ساخت و به کمک او به یک ستاره بین‌المللی تبدیل شد، توانست از این مانع عبور کند. باندراس که با «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» پدرو آلمودوار روی فرش قرمز کاخ جشنواره کن رفت، در این روزها همچنان به دنبال نقش می‌گردد اما بیشتر به دنبال ساختن فیلم‌های هالیوودی نظیر مجموعه فیلم‌های «شرک» یا «گره» و چکمه‌پوش» است و حاضر است برای تبلیغ فیلم اخیرش، همراه با سلما هابک چکمه بر پا کند و پا به کن بگذارد.

باندرا در «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» همان‌طور احساس راحتی می‌کند که خاور باردم و پنه لویه کروز، دو ستاره اسپانیایی زبان دیگر، با دیالوگ گفتن به زبان مادری‌شان در «ویکی کریستینا بارسلونای» وودی آلن. این فیلم که نشان از بازگشت آلمودوار به حال و هوای تجربی و هنجارشکنانه آثار قدیمی‌اش دارد، برداشتی آزاد از رمانی است که ۱۰ سال پیش او را شیفته خود کرده است. باندراس نقش یک جراح پست فرانکنشتین گونه را بر عهده دارد که در صدد انتقام گرفتن شاد و یک انسان را که وررا (النا آتایا) نام دارد، قربانی آزمایش خود می‌کند. پی بردن به پیچیدگی‌های پیرنگ داستان که واقعا گیج‌کننده است (بعضی از چرخش‌های داستانی



گزیده آرای منتقدان درباره فیلم «پوستی که در آن زندگی می‌کنم»

هیچکاک به زبان اسپانیایی

آن هم در نقش روبرت که با نیمچه لبخندی شوم می‌گوید: «بیا دیگر از من فرار کن»، او کاملا با ظاهر آراسته و اغواگر این فیلم شیطنت‌آمیز هماهنگ است.



پیتر بردشا (گاردین) - فقط همین را می‌توانم بگویم که فیلم از اول تا آخر یقنم را گرفت و رها نکرد. اگر زبان فیلمسازی قدرتمند آلمودوار، که به فیلم نیرو می‌دهد، در کار نبود، داستان ممکن بود پرتکلف و هجوآمیز به نظر برسد اما چنین نشده و احساسات پرشور و عجیب فیلم کاملا متقاعدکننده است. آلمودوار چیزی مسجورکننده به زیبایی‌شناسی برگرفته از تئاتر شقاوت حس زنده جراحی، دستکش لاستیکی و چاقوی جراحی و فولاد سرد افزوده است. فیلم هم پیچیده و دیوانه‌وار است و هم موزون و خوب‌شدندار و فاخر.

جاستین چانگ (ورایتی) - آلمودوار با این داستان نیز همان رفتاری را در پیش گرفته که با رمان «جسم زنده» روث رندال داشته است. او ترنلر روان‌شناختی سرد و هراس‌آور رمان‌نویسی که بسیار کمتر از او انسان‌گرا بوده است را در دست گرفته و به سبک خود مورد جراحی قرار داده، خنده‌هایی تسکین بخش، ملودرامی‌تر و تازه و گوشه و کنایه‌های جسورانه بامزه را به آن افزوده است. وقتی نوبت به افشاگری بزرگ داستان می‌رسد، فیلمساز چند چشمه از شیطنت‌ها و بازیگوشی‌های معمولش را به نمایش می‌گذارد.

اریک کوهن (ایندی وایر) - آلمودوار زمانی طولانی را صرف آن می‌کند تا از باز پرده بردارد اما نتیجه توجیه‌کننده آن همه زمینه‌چینی نیست. اگر هیچکاک این داستان را در دست داشت، آن را به یک ترنلر قابل باور تبدیل می‌کرد و کراننبرگ بر جنبه‌های دل به هم زن آن تأکید می‌کرد، اما آلمودوار هرگز بر تک‌تک جزئیات آن متمرکز نمی‌شود و به جای آن همه چیز را کنار هم می‌گذارد تا فضایی ایجاد کند که به شکل غریبی جذاب و گیراست. طرفداران آثار آلمودوار با این اغراق‌های ملودراماتیک افراطی و چرخش‌های سوررئالیستی داستان که عمدا به شکلی مضحک ارایه می‌شوند، آشنایی دارند.

کریک هانیسکات (هالیوود ریپورتر) - فقط آدمی که توانایی و استعداد آلمودوار می‌توانست چنین عناصری را در هم بیامیزد، بدون آنکه کل فیلم را خراب کند... آلمودوار در همان حال که آشکارا در فیلم‌های قدیمی و ژانرهای سینمایی کندوکاو می‌کند که به گفته خودش از بونول، هیچکاک، لانگ و فرانزو تا فیلم‌های ترسناک استودیو همرو آثار درجه دو داریو آرجنتو را در بر می‌گیرد، بیش از همه به دنبال مضمون هویت می‌رود. آلمودوار این ضرب‌المثل قدیمی که می‌گوید «زیبایی فقط به ظاهر و پوست انسان نیست» را می‌گیرد و اضافه می‌کند که پوست فقط می‌تواند روکشی بر هویت و روح انسان باشد. پوست را می‌توان عوض کرد اما روح انسان همان که هست، می‌ماند.

تازه چه خبر دکتر جون؟

چهار سوار سر نوشت



■ مورگان فرین به جمع بازیگران «چون الان مرا می‌بینی» پیوست که تازه‌ترین فیلم لویی لتریه، کارگردان فرانسوی «ترنسپرت»، «هالک‌شگفت انگیز» و «هبرد تایتان‌ها» است و با حضور چندین بازیگر مطرح ساخته می‌شود. به گزارش ویرایتی، پیش از این، بازی جسی آیزنبرگ «شبکه اجتماعی» و ملاتی لوران «رانل بی آبرو» در این پروژه قطعی شده و مذاکره با آماندا زایفرد «شئل قرمزی» و مارک رافلو «جزیره شاتر» نیز به نتیجه رسیده بود. فیلمنامه این فیلم را پواز پاکین (نویسنده فیلمنامه «شاهزاده پارسی: ماسه‌های زمان») و آلدرد ریگورت نوشته‌اند و دانستاش درباره گروهی از ساموران افسی‌ای است که قصد دارند گروهی به نام «چهار سوارکار» را به دام بینازند، گروهی متشکل از بزرگ‌ترین شعبده‌بازان جهان که از عملیات خود برای پوشش دادن به سرقت مسلحانه از بانک‌ها بهره می‌گیرند.

هیولاهای فرانسوی جان لن‌دیس



■ کارگردان «بهرادران بلوز ۲۰۰۰» که بیشتر به واسطه کارگردانی ویدیو کلیپ «تریسر» مایکل جکسون در دهه ۱۹۸۰ و کمدهی‌های این فیلم را «۱۹۹۰ مانند اسکالر» و «پلیس بورلی هیلز ۳» شهرت دارد و به زودی کمدهی دلپه‌آور «پورک و هیر» را به روی پرده می‌فرستد، از پروژه تازه‌ای پرده برداشت که فیلمی ترسناک است و داستانش در فرانسه اتفاق می‌افتد. جان لن‌دیس در مصاحبه‌ای این فیلم را «یک فیلم کوچک هیولایی» توصیف کرده و گفته هنوز عنوانی برای آن انتخاب نکرده است. وی گفته که مشغول نوشتن فیلمنامه با کمک الکساندر گواراس (پسر کنستانتین کوستا-گواراس، فیلمساز مشهور یونانی ساکن فرانسه) است و فیلمبرداری را تا دو سال دیگر در پاریس شروع می‌کند. وی گفته است که برای این پروژه باید از بازیگران مسلط به دو زبان فرانسه و انگلیسی استفاده کند، بنابراین می‌توان حس زده که ژولی دلبی، ژان رنو و کریستین اسکات تامس نامزدبازای ایفای نقش در فیلم تازه او باشند.

تهدید کاترین بیگل

برای امنیت ملی آمریکا



■ سازنده «هندوچیچه رنج» که درست همزمان با کشته شدن رهبر گروه القاعده، اسامه بن لادن در پاکستان مشغول ساختن فیلمی با عنوان «کشتن اسامه بن لادن» بود و اتفاقا با گروهی از سربازان کار می‌کرد که در این عملیات نقش داشتند، ظاهرا باید با دردمر تازهای دست و پنجه نرم کند. واشنگتن پست، اواخر هفته گذشته در مقالهای با عنوان «یا کاترین بیگل، کارگردان برنده اسکار، تهدیدی برای امنیت ملی است؟» به ماجرای تحقیق و تفحص کنگره آمریکا درباره فیلم تازه این فیلمساز پرداخته است. به نوشته این روزنامه، پیتر کینگ سناتور جمهوری‌خواه از نیویورک با صدور بیانیه‌ای خواستار تحقیق و تفحص کنگره درباره اطلاعاتی شده‌است که بیگل و نویسنده فیلمنامه‌اش، مارک بوال دریافت کرده‌اند و اظهار نگرانی کرده است که این اطلاعات طبقه‌بندی شده بودند و محرمانه تلقی می‌شدند. این در حالی است که نیویورک تایمز طی مقاله‌ای برنامه زمانبندی اکران این فیلم در ماه اکتبر ۲۰۱۲ همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری را تلافی برای کمک به انتخاب شدن اوباما دانسته است. همچنین یکی از فرماندهان پنتاگون تحویل اطلاعات محرمانه به این فیلمساز را تکیذی کرده و سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا هم اظهارات سناتور کینگ را «مضحک» خوانده است.

دیوید بیتس موضع می‌گیرد



■ داستانی دیگر از استیون کینگ، نویسنده مشهور آثار ترسناک، قرار است به روی پرده سینما بیاید که «موضع» نام دارد. این فیلم را دیوید بیتس، کارگردان آخرین فیلم «هری پاتر» خواهد ساخت که برای نگارش فیلمنامه از همکاری استیو کلوز، نویسنده فیلمنامه مجموعه فیلم‌های «هری پاتر» بهره خواهد برد. داستان بعد از فاجعه شیوع طاعونی اتفاق می‌افتد که بیشتر ساکنان کره زمین را از میان می‌برد و تعداد اندکی که زنده ماندند، باید با گونه‌های تازه‌ای که دست پرورده یک موجود شریر هستند، مبارزه کنند. شرکت برادران وارنر با همکاری «سی. بی. اس فیلمز» این فیلم را تولید می‌کند که البته قبلا در سال ۱۹۹۴ اقتباس تلویزیونی آن به صورت یک سریال کوتاه شش ساعته تلویزیونی با بازی گری سینیزی از شبکه‌ای. بی‌سی پخش شده است. همچنین ویرایتی اخیرا اعلام کرده است که جاناتان ادی، کارگردان «سکوت بره» قصد دارد رمانی از کینگ با عنوان «۶۳/۲۲/۱۱» که داستانی علمی-تخیلی درباره سفر به زمان و بازگشت به ماجرای ترور جان اف. کندی در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۳ در دالاس است را به فیلم برگرداند.